

کوتاه علیه ارتجاع سرمایه داری اسلامی و شرکا :

«رفقای ما را آزاد کنید!»

پریسا نصرآبادی

درست در شرایطی که دول منحن بورژوازی از سه قاره، در سهم خواهی بر سر خوان گسترده منافع متقابل با چاشنی مسئله هسته ای ایران، به توافقات جدی دست می یافتند و نیش بورژوازی تا مغز استخوان فاسد ایران (اعم از پوزسیونی و اپوزسیونی) به لیخندی چندش آور مزین گشته بود و کماکان در فضایی سرشار از شارلاتانیزم سیاسی در گستره بین المللی، بر طبل دروغ های آوریل و ژوئن و دسامبر امریکا و همزمان جدی بودن خطر دستیابی به تسلیحات اتمی رژیم اسلامی ایران کوبیده می شد، ده ها تن از برجسته ترین فعالان دانشجویی کمونیست دانشگاه های تهران، مازندران، شیراز، اهواز و... که بر طبق سنت چندسال گذشته دانشگاه ها، در تدارک آکسیون سرخ ۱۶ آذر بودند، به طور غیرمترقبه و به نفرت انگیز ترین شیوه ممکن، تهدید، تعقیب و دستگیر شدند، منازل و لوازم شخصی شان مورد تفتیش قرار گرفت و روانه دانشگاه اوین گردیدند تا گوش های پُرشان از اندرزهای تکراری تمام این سالها پُر تر شود.

پس از این رخداد، نولیبرال های اپوزسیونی خوش خدمت که در انتظار «رقم خوردن سرنوشتشان از آن سوی مرزها» در خفقانی معنادار فرو رفته بودند، پس از «معامله بزرگ» در حقارت فقدان موضوعیت به گل نشستند و از قرقره کردن دموکراسی خواهی تمام عیارشان (تحت لیسانس یو اس آ) به کلی باز ماندند. {درباره میزان دموکراتیک بودن محتوای برنامه این جریان می توانید به نک و ناله ها و شکایات پیاپی ایشان نسبت به عدم برخورد رژیم با کمونیست ها پیش از سرکوب اخیر و انبوه اعتراضات و بیانیه ها و اطلاع رسانی مبسوط در ارگان ها، تلویزیون ها، رادیو ها سایت ها و وبلاگ های رسمی و شخصی حضرات نولیبرال و نو محافظه کار در شعب دست چندم دانشجویی و غیر دانشجویی آن پس از سرکوب اخیر مراجعه نمایید!!!}

در کنار بایکوت خبری و رسانه ای راست اپوزسیون، ذکر مزایای نولیبرال های اصلاح طلب پوزسیونی نیز خالی از فایده نیست که با توجه به سوابق درخشان خود به ویژه در سالهای نخست پس از انقلاب ۵۷، بدیهی است که ید طولایی در جعل و تحریف وقایع و سانسور شدید خبری و تطهیر سرکوبگری دیرینه رژیم سرمایه داری اسلامی داشته و دارند.

راست پوزسیونی اصلاح طلب که با تمام قوا تلاش خود را در گذشته مبذول داشته بود که با اعطای مدال های آکادمیک، چپ را به کنج کتابخانه ها و محافل روشنفکری رهنمون کرده و از آن یک «کاست معنوی» بسازد و نسخه چپ فاقد افق سیاسی و اجتماعی را بیچد، با مواجهه با چپ مهارناپذیر غیر سازشکار عنان از کف داده و کار را به جایی رسانید که حتی شیخ اصلاحات نیز به عرصه رقابت در درفشانی حضرات آکادمیسین لیبرال پیوست و از نقش مارکسیست ها در تخریب و ویرانگری حسینی در ارایش گنابادی بروجرد سخن به میان آورد!!!

جناح های مختلف بورژوازی پس از سر برآوردن دوباره چپ پس از سرکوب سهمگین دهه مرگبار ۶۰ و پس از شکست مفتضحانه پروژه اصلاحات، در مقاطع مختلف همواره سعی در نادیده گرفتن و قلیل انگاشتن این چپ بازمتولد شده داشتند تا به خیال خودشان به آنها موضوعیت نبخشند و هویت آنها را به رسمیت نشناسند، تا سربازان فرمانبردار خود را در گردان های دانشگاهی از پی دامن زدن به جنگ های زرگری این جناح و آن جناح یا عملیات های کور و حماقت باری چون حمایت از پروژه دخالت خارجی فراندوم و دموکراسی خواهی موهوم روان کنند.

اما با قدرت گیری هر روزه این چپ و با تثبیت موقعیت خود از ۱۶ آذر ۸۴ به بعد به تدریج این چپ های به قول آقایان از گورستان تاریخ باز آمده (که به خوانش ارتدکس از مارکسیسم رجوع می نمودند) به عنوان یک طیف بسیار حائز اهمیت در تحولات دانشگاهی و دارای پایگاه و نیروی قابل توجه در جنبش دانشجویی به رسمیت شناخته شد.

از این زمان به بعد و با توجه به اینکه در اکثر دانشگاه های کشور این طیف مشخص با خوانش رادیکال خود از مارکسیسم رو به گسترش داشت، بدیل کاریکاتور واری از چپ به طور موازی (و با تمرکز در دانشگاه علامه طباطبائی) به عنوان چپ مورد علاقه حضرات نولیبرال و بی خطر برای بورژوازی تا بن دندان مسلح علم شد تا با قرانت گل و بلبل خود از مارکسیسم، نه تنها در انتقاد از رادیکالیسم چپ در طول تاریخ از لیبرال ها پیش بیفتند بلکه به جاده صاف کنی بیراهه دموکراسی خواهی در ایران (البته زیر سایه عنایات پیش کسوتان لیبرال خود) مفتخر گردند.

۱۶ آذر سرخ ۸۵ به عنوان نقطه اوج و فراز چپ راستین در دانشگاه و متعاقب آن برگزاری آکسیون ۸ مارس ۸۵ برای اولین بار در دانشگاه های ایران و حضور فعالانه دانشجویان چپ در آکسیون کارگری بی سابقه ۱ می ۸۶ نشانگر یک تعیین تکلیف استراتژیک و آغاز مرحله ای جدید در حیات چپ انقلابی در دانشگاه بود، که بر اساس آن می بایست فراتر از حرف و سخن و بسط تئوریک مباحث، مبارزه طبقاتی و اهمیت استراتژیک طبقه کارگر، پروژه اجتماعی شدن چپ، فراتر رفتن از سطح تحلیل بورژوازی نسبت به هم رده پنداشتن جنبش های اجتماعی و تاکید بر اهمیت مضاعف جنبش کارگری و رهبری طبقه کارگر، تامین هژمونی چپ در جنبش های اجتماعی نظیر دانشجویی، زنان، ستم ملی و... تاکید بر سوسیالیسم به مثابه هدف فوری و آنی مجموعه مبارزات جاری در بطن اجتماع، محور همه تحركات دانشجویان کمونیست قرار بگیرد و بیش از پیش به منصفه عمل درآید.

اما :

تعقیب، رباپش و دستگیری گسترده دانشجویان چپ، که همگی متعلق به رادیکال ترین جریانات موجود در چپ دانشجویی هستند و در تدارک ۱۶ آذر سرخ دیگری بودند را چگونه می توان تحلیل کرد؟

کاملاً شفاف و روشن است که این اقدام بی سابقه معطوف به چپ انقلابی دانشگاه های ایران بوده است و نه چپ نو، یا پسامارکسیست یا پست مدرنیستی (بخوانید رفرمیست) که توسط ارگان های لیبرالی نسبت به آن بی دریغ تبلیغات گسترده صورت می گیرد و تصویر شخصیت های تئوریک و سیاسی آن، به عنوان اسطوره های چپ بی آزار، فهمیده و متساهل در پشت جلد نشریات زرد لیبرالی نقش می بندد. چپ دوست داشتنی که از فرط مهربانی گارد خود را به راست باز گذارده و شمشیرش را برای جریانات رادیکال چپ از رو بسته است. چپی که در بهترین حالت به مثابه جناح چپ لیبرالیسم، رزمنده و فدایی مصمم بورژوازی درک می شود. (از جمله می توان به تبانی سازمان های متبوعه این به اصطلاح چپ در مقاطع مختلفی نظیر انتخابات، با جناح اپوزسیون اصلاح طلب پرو- رژیم، یا توافقات جمهوری خواهانه و دموکراسی طلبانه ایشان با اپوزسیون پرو- غرب اشاره نمود!)

بورژوازی شامه تیزی دارد و دشمنان حقیقی خود را که بر مبنای پولاریزاسیون اصیل و تاریخی چپ و راست معین می گردد را به خوبی می شناسد و به سوی آن می تازد، و این دشمن کیست مگر چپ انقلابی که همواره مرزبندی قاطع و سازش ناپذیری با لیبرال ها را در کارنامه خود مضبوط نموده است و این توان را دارد که به عنوان یگانه جریان صاحب صلاحیت برای پیگیری مطالبات دموکراتیک و آزادی خواهانه دانشجویان در دانشگاه، پیشتاز و پیش رو مجموعه تحركات درون دانشگاهی باشد و قادر است تنها نیرویی باشد که به طرح مسائل و خواست های اجتماعی رادیکال موجود در جامعه و سازماندهی در جهت تحقق آنها مبادرت ورزد و با نظام سرمایه داری در تمام ابعاد و اشکال آن پیگیرانه مبارزه نماید و در این مسیر مجموعه جریانات رفرمیست و فرصت طلب را به حاشیه براند.

از این رو چپ انقلابی که دگر باره بنا بر ضرورت، از بطن نظام سرمایه داری اسلامی موجود متولد شده است و یگانه انعکاس مبارزات واقعی و جدی در صحنه اجتماع است تاریخاً توسط دولت های بورژوازی در برهه های مختلف مورد تعرض و سرکوب قرار گرفته است و این بار نیز چپ انقلابی دانشگاه های ایران در معرض حملات دولت نهم از نظام سرمایه داری اسلامی ایران قرار گرفته است.

دولت نهم که نامزد در دست گرفتن ابتکار عمل برای پیوند زدن سرمایه داری دولتی ایران، به سرمایه داری جهانی و هم زمان برقراری سیادت ایران در منطقه گردیده است، با دست افزار اصل ۴۴ که نقطه کانونی پیوستن مجموعه جناح های بورژوازی به یکدیگر و تبلور اشتراک منافع پوزسیون و اپوزسیون طرفدار رژیم و اپوزسیون طرفدار غرب است، به تدریج در جهت رفع یا کاهش تضاد های خود قدم بر می دارد و با لیبرال های امریکایی هم زبان می شود و «مارکسیست ها» را سبیل تعرض و تهاجمات خود قرار می دهد.

به این ترتیب « از کیهان تا صدای امریکا » طیفی از ارگان های با منافع مشترک حضور خواهند داشت که همگی از سرکوب چپ انقلابی استقبال نموده و هریک به اقتضای ادبیات خود یا چپ انقلابی را منتسب به امریکا می کنند و سانسور شدید خبری اعمال می کنند یا چپ انقلابی را به عنوان دشمنان جامعه باز و مدنی بایکوت رسانه ای می کنند.

زیرا این چپ انقلابی است که بارها و بارها :

۱- مواضع خود را نسبت به ضدیت با هرگونه دخالت خارجی (از تحریم تا حمله نظامی) شفاف و رو به جنبشهای اجتماعی ارائه کرده است.

۲- همواره هویت مستقل خود را حفظ نموده و عدم دلبستگی و وابستگی خود به تک تک جناح های اپوزسیون درون حکومتی و پرو-غرب را اعلام نموده است.

۳- از بدو تولد دوباره هرگز سنت اصلاح طلبانه نداشته است و دائما بر عنصر دخالتگری اجتماعی تاکید کرده است.

۴- چپ انقلابی را یگانه نیروی پیگیر مطالبات و خواست های دموکراتیک و آزادی خواهانه/سوسیالیستی می داند.

پس چندان تعجب برانگیز نیست که متعاقب حملات و سرکوبگری شدیدی که مداوما نسبت به فعالان جنبش های اجتماعی و به ویژه جنبش کارگری صورت گرفته و می گیرد (و از ترور تا زندان و صدور احکام سنگین و طولی المدت را شامل می شود)، اکنون برای باز داشته شدن دانشجویان کمونیست از برگزاری آکسیون سرخ و پر قدرت دیگری در آستانه ۱۶ آذر ۸۶ با این گستره و حجم مورد تعرض قرار بگیرد. اما ۱۶ آذر امسال در نبود بسیاری از رفقا ، که هریک به نوعی از برجسته ترین فعالان کمونیست دانشگاه های ایران هستند با تمام نیرو و شورمندان بر گزار گردید .

ما این یورش وحشیانه را که توسط رژیم سرمایه داری اسلامی ایران و به نمایندگی از بورژوازی ددمنش در کلیت واحد آن صورت گرفته است خشمگینانه محکوم می کنیم و خواستار آزادی فوری تک تک دانشجویان، کارگران، و همه زندانیان آزادی خواه در بند می باشیم.

مبارزات دانشجویان به مثابه متحدین طبقه پیش رو کارگر و همگام با ایشان بی وقفه ادامه خواهد یافت و در این راه لحظه ای از پای نخواهیم نشست.

اما وقایع اخیر حاکی از ضرورت ارتقاء جنبش چپ انقلابی در دانشگاه ها بر مبنای استراتژی واحد و بر سه محور سازماندهی، رهبری، و تئوری منسجم می باشد که تا کنون عمدتا مباحث نظری متعددی حول آنها صورت گرفته است و ضرورت دارد که از این پس به نمود های عملی و تحقق انضمامی موارد نامبرده در سطح جنبش تلاش های جدی مبذول داشته شود.

با آرزوی رهایی رفقای سربلند در بندمان!

زنده باد سوسیالیسم!